

مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران

هادی خانیکی^۱، معصومه کیهانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۵، تاریخ تایید: ۹۱/۱/۱۷

چکیده

نقش و زبان مطبوعات در ایران به طور کلی تحت تأثیر دو متغیر «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» بوده است که خود متأثر از «فرهنگ سیاسی نخبگان» و «ساز و کارهای حل اختلاف در جامعه جدید» هستند. این چارچوب که قابل ارائه در مدلی توصیفی و تحلیلی است، برای مطالعه مطبوعات زنان در ادوار مختلف نیز می‌تواند به کار گرفته شود. نشریات زنان از نخستین دهه پس از مشروطیت تاکنون بخش مهم و تأثیرگذاری از بدنه تاریخ مطبوعات ایران را تشکیل داده‌اند. این نقش را می‌توان در طلیعه دهه‌های ۲۰ و ۳۰ که هر دو در فضایی از تضعیف استبداد و تقویت جامعه مدنی قرار گرفته‌اند، مطالعه کرد. فرضیه این مقاله آن است که «قدرت جامعه مدنی» بیش از «عدم تمرکز قدرت سیاسی» بر توسعه مطبوعات زنان در ایران تأثیر دارد. این مقاله بر پایه همین فرضیه دو نشریه شاخص زنان را در طلیعه دو دهه ۲۰ و ۳۰ مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. نشریه «زن امروز» در اوایل دهه ۲۰ و «حقوق زنان» در اوایل دهه ۳۰ محصول دو موقعیت متفاوت از دوره‌های میتنی بر پراکندگی قدرت سیاسی‌اند. در موقعیت نخست ضعف قدرت متمرکز سیاسی و در موقعیت دوم تلاش برای استقرار آزادی‌های مدنی برجسته بوده‌اند. مقاله براساس تحلیل ثانوی برخی یافته‌ها از تحلیل محتوای این دو نشریه، تفاوت‌ها و تمایزهای این دو را تحلیل می‌کند و بر پایه آن فرضیه‌ای را برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران مطرح می‌سازد.

واژگان کلیدی: مطبوعات زنان، قدرت سیاسی، جامعه مدنی، دانش، شکوفه، زن امروز، حقوق زنان.

hadhi.khaniki@gmail.com

masumkeyhani@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

از جمله پرسش‌های اساسی که در پرتو مشارکت بیشتر زنان ایرانی در حوزه‌های سیاست و فرهنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شده است، چیستی و چگونگی حضور زن در فرایند تحولات جدید اجتماعی از سویی و نحوه انعکاس آن در رسانه‌ها از سوی دیگر است. در واقع این پرسش‌ها صورتی نو از مسئله‌ای کهن است که آیا «تاریخ ایران» تاریخی مذکر است و یا «روایت تاریخ ایران» مردانه است و یا هم تاریخ و هم روایت آن با غفلت از حضور زنان در عرصه‌های مهم تاریخی، واقعیتی را دچار کوچک نمایی کرده است. در فرایند تحولات جامعه ایرانی و مواجهه آن با تجدد موارد مختلفی قابل مشاهده است که هم کنش‌های زنان را در عرصه اجتماع فراتر از روایت‌های تاریخی موجود نشان می‌دهد و هم حضور آنان را در عرصه‌های ادبی و فرهنگی (از جمله نویسندگی و کار مطبوعاتی) از آنچه تاکنون تبیین شده است، موفق‌تر نشان می‌دهد.

نمونه اول را حداقل می‌توان در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه مشاهده کرد. در جنبش تنباکو که پس از انعقاد قرارداد رژی میان انگلیس و ایران در سال ۱۳۰۹ قمری به وقوع پیوست، زنان از آغاز تا پایان این مبارزه، فعالانه در صحنه‌های مختلف حضور داشتند؛ به گونه‌ای که وقتی خبر رسید که ناصرالدین شاه به میرزای آشتیانی اتمام حجت کرده است که یا باید در ملاء عام قلبان بکشد و یا از ایران برود، زنان پیشاپیش مردان به اعتراض علیه حکومت پرداختند، در محله سنگلج تهران جمع شدند و اقدام به بستن بازار کردند و پس از این اقدام که موجب فلج شدن حیات اقتصادی پایتخت شده بود در حرکتی دیگر برای تهییج مردان، سرها را از روی چادرها لجن گرفتند و با فریاد و فغان به سوی ارگ دولتی رفتند. چنین اعتراض‌های سیاسی علاوه بر تهران در تبریز و شیراز و حتی در میان زنان ایلاتی نیز در آن دوره شکل گرفته بود (محتشمی‌پور، ۱۳۸۳: ۹).

در مراحل مختلف نهضت مشروطه نیز نقش زنان حائز اهمیت است. آنان از اولین بست‌نشینانی مردم تهران در مسجد شاه و پذیرش مسئولیت حفظ جان علما در آن تحصن (ناهید، ۱۳۶۰: ۵۵) با بستن بازار و حرکت برای پیوستن به متحصنین حضرت عبدالعظیم و رفتن به ارگ سلطنتی برای گفت‌وگو با مظفردالدین شاه حضوری مؤثر داشتند و در این زمینها کارهای بسیاری را به فرجام رساندند (کسروی، ۱۳۶۱: ۶۹). زنان در همگانی کردن ندای مشروطه‌خواهی و تأسیس عدالتخانه و مجلس، هم خود به گونه‌های مختلف حضور داشتند و هم مشوق مردان بودند و در آن‌جا که توانایی شرکت مستقیم نداشتند از ایثار کمک‌های مالی هم دریغ نداشتند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۳۶). پس از پیروزی مشروطه نیز زنان برای

مشارکت در تأسیس بانک ملی ایران از فروختن گوشواره و گردنبند و دیگر جواهرات خود سرباز زدند و در برخی شهرها مانند تهران و تبریز برای حمایت از صنایع داخلی و تحریم کالاهای وارداتی انجمن‌هایی تشکیل دادند (محتشمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰).

تلاش زنان برای استقرار و تحکیم نظام پارلمانی که در قالب تشکیل دسته‌های مختلف و ازدحام در برابر ساختمان مجلس برای تصویب سریع متمم قانون اساسی و تأسیس «اتحادیه غیبی» به انجام رسید، نمونه‌های دیگری از این تکاپوهای سیاسی و اجتماعی است (کسروی، همان، ۳۱۵ و ناهید، همان، ۶۳).

نمونه دوم از تلاش‌های زن ایرانی در فرایند تحولات جدید اجتماعی ورود زنان به عرصه‌های فرهنگی و ادبی است. از آن‌جا که زنان در این حوزه خود واقعه‌نگار و یا تبیین‌گر موقعیت زن هستند، لذا مطالعه آثار آنان از این نظر موضوعیت بیشتر دارد.

از نخستین زنان نویسنده تاریخ تجدد در ایران بی‌بی خانم استرآبادی است که رساله «معایب الرجال» را با نگاهی جنسیتی در پاسخ به «تأدیبات النسوان» نوشته است. این رساله چنان که از نامش برمی‌آید در نقد و رد مطالب زن ستیزانه «تأدیبات النسوان» و ترغیب زنان به حضور و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی است: بی‌بی خانم در این باب به زنان چنین توصیه می‌کند: «خواهران گوش به پند و اندرزهای نویسندگان تأدیبات النسوان و افرادی از این قبیل ندهید. این مریبان زنان که خود را نادره دوران و اعجوبه جهان می‌دانند، بهتر آن‌که اول به اصلاح صفات خود برآیند که گفته‌اند: ذات نیافته از هستی بخش/کی تواند که بود هستی بخش... آنان می‌دانند که این نصایح برای تأدیبات ما نیست، برای اثبات ظلم بر مظلوم است و خداوند تعالی مردان را عاشق و معشوق با زنان خلق کرده و نه ظالم و مظلوم» (ناطق، ۱۳۵۸: ۴۸). او با استناد به آیات قرآن مجید و روایت‌های تاریخی بر برابری انسانی زنان و مردان تأکید می‌کند و در رد مدعیات نویسنده ناشناخته تأدیبات النسوان که از ضرورت دور نشستن زن از شوهر و آموختن رسم خدمت‌کاری سخن گفته است، می‌نویسد.

«... نه هر مردی از هر زنی فزون‌تر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر... زهرا و آسیه و خدیجه کبری از زنانند و فرعون و هامان و شمر از مردان... این مریبان به جای این‌که راه و رسم انسانیت به ما بیاموزند، تا بتوان نام مریبی بر آن‌ها نهاد، پند می‌دهند که زن باید قدم آهسته بردارد و سخن را نرم و ضعیف بگوید، مثل کسی که از ناخوشی برخاسته باشد، خوب اگر زنی به چنین حالی درآید، به یقین بایستی زن مردی خونخوار و شیریر و مردم‌آزار بوده باشد وگرنه مردم رعیت با این همه کارهای مشکل و دشوار چگونه می‌توانند این قسم رفتار پیش گیرند» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۴ - ۲۵).

تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه نیز که از جمله نویسندگان نام‌آور عصر مشروطیت است، با

نگارش خاطرات خویش در سال ۱۳۳۲ قمری روایت‌های نسبتاً روشنی از انعکاس افکار نوین اجتماعی و آثار نویسندگان اروپایی چون ویکتور هوگو و ژان ژاک روسو را در خواسته‌ها و گرایش‌های زن اندیشمند ایرانی به ثبت رسانیده است. او از این که زنان ایران در خلوت خانه‌ها به دور از دنیای دانش افتاده‌اند و در پی کسب حقوق انسانی خود نیستند، افسوس می‌خورد و می‌نویسد:

«خیلی محزون و دل‌تنگ هستم که چرا هم جنس‌های من، یعنی زن‌های ایرانی، حقوق خود را ندانسته و هیچ درصدد تکلیفات انسانی خود بر نمی‌آیند و به کلی عاری و باطل برای انجام هر کاری، در گوشه خانه‌های خود خزیده و تمام ساعات عمر را مشغول کسب اخلاق بد هستند و به کلی از جرگه تمدن خارج گشته و در وادی بی‌علمی و بی‌اطلاعی سرگردان هستند. مثل این که اغلب خانواده‌ها در امروزی که به یک اندازه راه ترقی برای نسوان باز شده و می‌توانند دخترها را در مدارس بگذارند و آتیه آن‌ها را به نور علم و کمال روشن نمایند، می‌گویند این عیب است برای ما که دختر ما به مدرسه برود» (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۱۱ - ۱۲).

تاج‌السلطنه نسبت به برادرش مظفرالدین شاه دیدگاهی انتقادی دارد و سلطنت او را جز «فساد و پایمال شدن حقوق مردم» نمی‌داند (همان، ۹۹).

این زن درباری اما منتقد در بیان اوضاع آن عهد قلمی صریح دارد، چنان که در توصیف سفرهای برادرش به اروپا نوشته است: «در این ایام، صحبت مسافرت برادرم به فرنگستان بود و مشغول مذاکره استقراض بودند... خیلی به سرعت، تمام پول مملکت و ذخیره‌های پدر را از پول [و] جواهر، برادرم به مصرف رسانید... بالاخره پس از این که میلیون‌ها به مصرف رسید، خیلی به‌طور احمقانه مراجعت کردند و از تمام این مسافرت، حاصل و نتیجه که برای ایرانیان به دست آمد، مبالغه‌گرافی قرض [بود]» (همان: ۸۷).

به هر حال نقش ارزنده و مؤثر زنان در جنبش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معاصر و چگونگی بازنمایی آن اکنون بیش از گذشته موضوع پژوهش‌های اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات شده است. در این میان مطبوعات به طور عام و مطبوعات زنان به طور خاص اهمیتی ویژه دارند. این مقاله با تحلیل ثانوی برخی پژوهش‌های انجام گرفته و طرح فرضیه‌ای برای تعیین وضع مطبوعات زنان که خود بازتابنده بخشی از تحول سطح مشارکت زنان در دوران معاصر هستند، بنا دارد مدل مطالعه آن‌ها عرضه دارد.

پیشینه مطبوعاتی زنان

انقلاب مشروطه هم در عرصه تحولات تاریخی ایران و هم در حوزه تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان نقطه عطفی به حساب می‌آید. زمینه‌های اجتماعی و متون فرهنگی، پیش و

پس از مشروطه به لحاظ مضمون و زبان با چرخشی معنادار روبرو هستند و این واقعیت در جامعه زنان و ادبیات برآمده از آن نیز قابل مشاهده است.

انقلاب مشروطه حتی صرفنظر از نتایج نهایی و عوامل دخیل در آن، «جنبشی عمومی علیه استبداد» برشمرده می‌شود: فشرده‌ترین تعبیر از این جنبش آن است که تکاپویی برای محدود کردن اقتدار سنتی، توزیع قانونمند قدرت و به زبان آمدن بخش‌های صامت و ساکت جامعه در قالب روندها و نهادهای نو بوده است. این تکاپو نمی‌تواند ذهن و زبان شهروندان ایرانی را از تغییر برکنار نگاه دارد، چگونگی وضع زن در جامعه و بازتاب زبانی آن در مطبوعات از جمله مقوله‌های مهم متأثر از این تغییرند، به این سبب می‌توان در مطالعه‌ای تاریخی این دگرگونی‌ها را با وضوح بیشتری دید.

بنابر آنچه که در کتاب سرگذشت مطبوعات ایران آمده است (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱۳): «در پیش شماره نخستین نشریه ایران که به «کاغذ اخبار» اشتهار دارد (۲۵ محرم ۱۲۵۲ ق) در خبر کوچاندن جمعی از خانوارهای گوکلان به دارالخلافه از بانوان با عنوان «اعیال» یاد شده است و این اولین صفت برای زن در زبان مطبوعات ایران است که از آن پس هم در دیگر نشریه‌های فارسی عهد قاجار تا پیش از مشروطه تکرار شده است و غالب آن‌ها از زنان با عنوان‌های «ضعیفه»، «اناث» و «انائیه» یاد کرده‌اند. در بخش اخبار داخلی روزنامه‌های ایران در عهد ناصری جز زمانی که سخن از مهدعلیا و زنان شاه به میان آمده است، زبان سخن گفتن از زن مبین وجود ادبیاتی درجه دوم و فرودستانه است. «شب زفاف»، «زایمان» و «حوادث»، عمده مقوله‌هایی هستند که در آن‌ها به زن اشاره‌هایی شده است. تنها مطلب قابل اهمیت در اخبار داخلی مطبوعات اشاره به مشکلات «ازدواج دختران» و «تهیه جهیزیه» برای آنان است، به این سبب می‌توان گفت در شصت سال اول روزنامه‌نگاری در ایران خبر قابل اعتنا درباره زنان را بیشتر در بخش اخبار خارجی مطبوعات می‌توان خواند.»

هفتاد و شش سال پس از انتشار نخستین نشریه ادواری چاپی در ایران، اولین نشریه اختصاصی زنان باعنوان دانش به مدیریت خانم دکتر کحال در دهم رمضان ۱۳۲۸ ق در مطبعه شرقی تهران چاپ و منتشر شده است. در سرلوحه این نشریه نوع و روش آن چنین آمده است. «روزنامه‌ای اخلاقی، علم‌خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، مفید به حال دختران و نسوان و به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند» (همان).

در شماره اول نشریه در مقاله‌ای باعنوان رسم شوهرداری، آمده است «... در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید، مثلاً غذای او را به دقت حاضر نمایید و در زمستان، کرسی یا بخاری او را گرم و حاضر بدارید، اطاق را پاک و تمیز نگاه دارید. کلیتاً طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه می‌شود از هر جهت / راحت باشد... شما اگر از جایی دلتنگی دارید وقتی که شوهر وارد

خانه شد با روی گشاده او را استقبال نموده، تعارفات رسمانه را به جا بیاورد و آن اوقات تلخی را پنهان نمایید...» (شکوفه به انضمام دانش، ۱۳۷۷: ۹).

البته این نشریه در کنار آموزش خانه‌داری و شوهرداری، تحصیل سواد و علم‌آموزی و هم‌چنین روزنامه‌خوانی را برای زنان نیز ضروری عنوان کرده است: «خانم نجیبه محترمه اگر سواد ندارد، باید فوراً در پی تحصیل سواد برآید و درس بخواند، زیرا که زن بی‌سواد صاحب عقل و تمیز نخواهد شد و اگر سواد دارد باید بیشتر اوقات خویش را مصروف روزنامه خواندن نماید. به جهت این‌که کسی که روزنامه می‌خواند همه چیز می‌داند...» (همان).

خانم دکتر کحال، مدیر نشریه، چشم پزشک بوده است و در برخی از شماره‌ها اعلانی دیده می‌شود که «خانم دکتر کحال همه روزه به جز جمعه‌ها در اداره روزنامه دانش برای معالجه چشم حاضر است» (همان).

او این نشریه را به صورت هفتگی، در ۸ صفحه به چاپ رسانید و انتشار آن تا ۳۰ شماره نیز ادامه یافت. طرز انعکاس اخبار و صفحه‌بندی آن بر غالب نشریات هفتگی دیگر ترجیح دارد و اخبار مربوط به مدارس دخترانه در بیشتر شماره‌های آن برجسته است (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۷۲ - ۱۷۳).

دکتر کحال در طول انتشار دانش به گفته خود در باب رویکرد نشریه وفادار است و همه مقالات آن بر مدار آداب شوهرداری، حفظ الصحه اطفال و مادران و حفظ پاکیزگی منزل و خوراک و پوشاک خانواده می‌چرخد، در عین حال لزوم علم‌آموزی یعنی تعلیم و تربیت فرزندان به خصوص دختران از اصلی‌ترین تأکیده‌های مقالات دانش به شمار می‌رود (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۴). البته تنها در یک مقاله باعنوان «معاونت زنان و کلای پارلمنت انگلیس» در شماره ۲۰ دانش (سال ۱۳۲۹ ق) مطلبی فراتر از آداب خانه‌داری نگاشته شده و از «حضور زن در کنار شوهرش و خدماتی که وی برای انتخاب او به عنوان وکیل پارلمنت انجام می‌دهد»، به میان آمده است (همان).

«شکوفه» دومین نشریه اختصاصی زنان است که با مسئولیت مریم عمید (مزین السلطنه) مؤسس و مدیر مدرسه مزینیه طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ قمری در تهران انتشار یافته است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۸)، در اولین شماره آن که مصور نیز هست شکوفه خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «روزنامه‌ای است، اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مساک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان» (شکوفه به انضمام دانش، ۱۳۷۷)، در عین حال در این نشریه بیش از دانش می‌توان انعکاس دگرگونی‌های جامعه ایرانی و جهان پیرامون را دید.

عمید «نخستین گام‌های وطن دوستی و تلاش برای حفظ و توسعه آن را در تربیت اطفال

می‌داند» (شماره سوم، سال اول، ۱۳۳۰ ق). و معتقد است که «تا دختران در مدارس عرفان تربیت نشوند و اخلاق صحیحه نیابند و به صفات حسنه آراسته نگردند و تعلیم علوم و معارف نمایند و تحصیل صنایع لازمه نکنند و آداب خانه‌داری و بچه‌پروری ندانند انتظام حال و ترقی و استقلال مملکت مقصور بل از جمله محالات است» (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۵).

از نظر شکوفه «اساس هر مملکت و ترقی و پیشرفت هر ملت بسته به وجود زن‌های آن‌جاست» (شماره ۲۴، سال دوم، ۱۳۳۲ ق). لذا با بیان نمونه‌هایی از رفتار زنان اروپایی نظیر «رسیدگی به فقرا و بی‌چیزان، همراهی برای گرفتن آراء، حضور در میتینگ‌ها، مشورت در امورات مملکت» توضیح می‌دهد که زنان ایرانی نیز می‌توانند چنین نقشی را در جامعه ایفا کنند (سعیدی، همان). نشریه شکوفه برای اثبات حضور و ایفای نقش اجتماعی و سیاسی زنان در قالب ناطقه مدرسه مزینیه در مجلس کنفرانس انجمن همت خواتین ایرانی مطالبی را نقل می‌کند که علاوه بر تصریح این موضوع، با انتقاد از تفکر مردانی همراه است که زنان را در درجه پایینی از فهم و شعور تلقی می‌کنند.

«... این قسمی که ما خودمان را جلوه و نمایش داده‌ایم نیستیم و در عالم حیات دنیوی و هیأت بشری هیچ‌گاه بیچاره نمی‌باشیم که هیچ چیز ندانیم و نفهمیم... منتها این است، چون مردهای ما، ما را از زمره عقلا خارج کرده و از حقوق بشری محروم داشته‌اند، ما را در هیچ‌گونه امری از امور حیاتی شرکت نداده‌اند و حقیقت مسئله بر آن‌ها مشتبه شده که قواء دراکه و افکار صحیحه ما را به حالت انجماد گذاشته هیچ در فکر علم و دانایی و ترقی و تعالی ما نیفتاده... وقتی که مرئی مقام دانش و بینش و شعور او به این پایه و مایه باشد مرئی تربیت او معلوم است، چه خواهد شد. اگر مردان ما علم اداری و علم معاش و آکادمی داشتند، ما کجا به این روز سیاه می‌افتادیم و اگر مردان ما نوع پرست و وطن دوست بودند، چه جهت داشت که ما به این ذلت و وطن عزیزمان محاصره باشم...» (شماره ۱۵، سال سوم، ۱۳۳۳ ق).

اکثر مقالاتی که در فاصله بین سال‌های سوم و چهارم نشریه نوشته می‌شد به جهت تقارن با ایام جنگ جهانی و درگیری ایران به عنوان کشوری که به آن تجاوز شده است، رنگ و بوی حب وطن، تشویق به حفظ ارکان حکومتی و دفاع از استقلال آن دارد (سعیدی، ۱۷).

با زوال دوران پراکندگی قدرت پس از مشروطه (۱۲۹۹-۱۲۸۵ ش) و آغاز دوره بیست ساله تمرکز قدرت سیاسی و تجدد آمرانه رضاشاه (۱۳۲۰-۱۲۹۹ ش)، حوزه مطبوعات و از جمله مطبوعات زنان دگرگونی‌های فراوانی پذیرفت. «تجدد آمرانه» پهلوی هم بر اعمال محدودیت‌های پر دامنه مدنی و سیاسی و هم بر گشودن راه تبلیغات وسیع و جدید حکومتی تکیه داشت و این دو وجه از سیاست نمی‌توانست مطبوعات زنان را برکنار از حوادث نگاه دارد. پس از دانش و شکوفه در طول این بیست سال نشریات زنانه مختلفی منتشر شدند که

مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب زمان انتشار عبارتند از زبان زنان (۱۲۹۹)، نامه بانوان (۱۲۹۹)، عالم نسوان (۱۲۹۹)، جهان زنان (۱۲۹۹)، نسوان وطن‌خواه (۱۳۰۲)، نامه نسوان شرق (۱۳۰۴)، رهنمای بانوان (۱۳۰۵)، پیک سعادت نسوان (۱۳۰۶)، دختران ایران (۱۳۱۰) و نامه بانوان ایران (۱۳۱۷).

در فرایند این دگرگونی‌ها اصفهان نخستین شهری بود که پس از تهران با نشریه «زبان زنان» به صاحب امتیازی صدیقه دولت‌آبادی در سال ۱۲۹۹ صاحب نشریه زنان شد و بعد از آن مشهد با انتشار مجله «جهان زنان» به مسئولیت فخرآفاق پارسا در همان سال و بندرانزلی با «نامه نسوان شرق» به مدیریت مرضیه ضرابی در سال ۱۳۰۴ به عنوان سومین و چهارمین شهرهای ایران گام در راه چاپ نشریات اختصاصی زنان نهادند.

تأثیر دو حوزه «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» بر مطبوعات زنان در این دوره حائز اهمیت فراوان است. اگر ۱۵ سال نخست پس از مشروطه (۱۳۰۰-۱۲۸۵ ش) با همه فراز و فرودهای سیاسی با دو ویژگی عام «توزیع قدرت سیاسی» و «حیات جامعه مدنی» مشخص می‌شود، ۲۰ سال بعد از آن (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ش) را می‌توان با دو ویژگی «تمرکز قدرت سیاسی» و «ضعف جامعه مدنی» متمایز کرد و این تفاوت معنادار سیاسی و مدنی آثار قابل مشاهده‌ای بر رشد کمی و کیفی مطبوعات در این دو دوره دارد (خانیک، ۱۳۸۱: ۳۷۹-۳۷۱).

نظام سیاسی دوره نخست یعنی دوره پراکندگی و یا توزیع قدرت سیاسی را می‌توان با این مشخصه‌ها تبیین کرد

الف) قدرت در آن دارای کانون‌های متنوع است، شاه یا نایب‌السلطنه، دولت، مجلس، احزاب سیاسی و گروه‌های غیررسمی پنج کانون عمده قدرت در این دوره‌اند و گاه دولت‌های خارجی نیز به گونه‌هایی در قدرت سیاسی مداخله می‌کنند.

ب) در این نظام سیاسی، دوام دولت‌ها پایین و درجه تغییرپذیری آن‌ها بالاست (۲۸ نخست‌وزیر و ۵۰ کابینه در طول ۱۵ سال با میانگین زمامداری ۱۶۴ روز برای هر نخست‌وزیر

ج) سهم قدرت نظامی و نظامیان در سازمان دولت کمتر است

د) سازمان اداری نامتمرکز و پراکنده است

ه) شیوه‌های اعمال نظارت در آن بیشتر آشکار و مبتنی بر محمل‌های قانونی است (خانیک، ۱۳۸۱: ۳۷۷).

نظام سیاسی دوره دوم یعنی دوره تمرکز قدرت سیاسی واجد خصوصیت‌های زیر است

الف) دارای کانون ثابت و مستقر قدرت است (شخص رضاخان در کسوت سردار سپه‌ی، رئیس الوزرای و پادشاهی)

ب) در این نظام دوام دولت‌ها بیشتر و تغییرپذیری آن‌ها کمتر است (۱۵ نخست‌وزیر و ۲۹ کابینه در طول ۲۰ سال با میانگین زمامداری ۵۰۶ روز برای هر نخست‌وزیر)
ج) ارتش حرفه‌ای تکیه‌گاه اصلی آن است و مداخله نظامیان در امور کشور نامحدود است
د) شیوه‌های نظارت بر جامعه بیشتر پنهان است (همان، ۳۷۹)

مدلی برای مطالعه مطبوعات

دوره‌ای که با امضای فرمان مشروطیت در روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی توسط مظفرالدین شاه در ایران آغاز شد و با کودتای رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبایی در تاریخ سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ شمسی پایان یافت، به رغم برخی وقفه‌ها و ناپیوستگی‌ها نظیر دوره استبداد صغیر (۳۱ تیر ۱۲۸۷ تا ۲۵ تیر ۱۲۸۸) دوره‌ای مبتنی بر توزیع نسبی و یا پراکندگی قدرت سیاسی است. وجه بارز این دوره وجود کوشش‌هایی برای پایه‌گذاری دموکراسی پارلمانی و قدرت سیاسی مقید در ایران است.

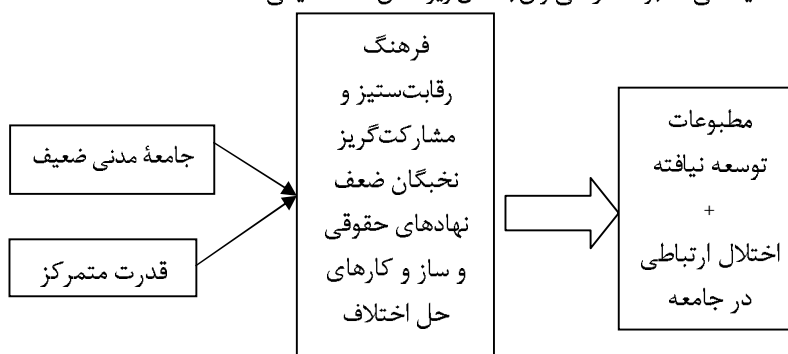
در این دوره «جامعه مدنی» هم در وجه سنتی و هم در صورت‌های جدید از قوت و قدرت در خور توجهی برخوردار است، از سویی نهادها و گروه‌های مذهبی، عرفی و سنتی نظیر روحانیت، اصناف، گروه‌های عشیره‌ای و روستایی، اجتماعات محلی و محله‌ها، نهادهای ریش‌سفیدی، بست‌نشینی، نظام‌های یاریگری و عیاری و نظایر آن‌ها فعال بوده‌اند و از سوی دیگر انجمن‌ها و گروه‌های خودانگیخته و فعال سیاسی نظیر انجمن‌های ملی و مخفی و مجاهدین، احزاب و فراکسیون‌های سیاسی، گروه‌ها و اتحادیه‌های صنفی در سطوح جامعه، مجلس و عرصه‌های مدنی شکل گرفته و فعالیت داشته‌اند.

دوره‌ای که با ظهور رضاخان در کانون نظام سیاسی ایران مشخص می‌شود، از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ادامه داشته و ویژگی اساسی آن تمرکز در قدرت سیاسی بوده است. در این دوره نهادهای جامعه مدنی با تکوین دولت خودکامه یا سرکوب شده، یا به انحطاط گراییده و یا به صورت نمایشی و سازمان‌های رسمی و فرمانبردار درآمد بودند (خانیک، ۱۳۸۶).

این دو متغیر اصلی توسعه سیاسی یعنی «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» تحت تأثیر دو متغیر فرعی یعنی «فرهنگ سیاسی» و «دستگاه‌های حل و فصل اختلاف» تشدید و تضعیف می‌شوند. در ساخت سیاسی متمرکز معنای سیاست بیشتر از میدان به در کردن رقیب بوده است تا سازمان دادن و جلب مشارکت او و پذیرش قواعد رقابت؛ درحالی‌که در دوره توزیع نسبی قدرت، «مشارکت‌پذیری» و «رقابت‌گرایی» در عرصه سیاسی مدنی قابل مشاهده است. در این دو دوره ساز و کارهای حل اختلاف در سطوح مختلف نیز متفاوت است. توجه به آرای عمومی، رسمیت و مشروعیت نهادهای حقوقی و قانون‌گرایی در دوره تمرکز قدرت کمتر و در

دوره توزیع آن بیشتر بوده است.

این منظومه تأثیرگذار بر توسعه‌یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی سیاسی در این دو دوره موجب توسعه یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی مطبوعات شده است. در واقع توسعه مطبوعات که فرایندی مرکب از شاخص‌های کمی و کیفی و بازنگری است و میزان «گسترش رسانه»، «محتوای پیام» و «چگونگی ایفای نقش نظارت اجتماعی» را در بر می‌گیرد. متغیری وابسته به دامنه تغییرات «ساخت سیاسی» و «ساخت اجتماعی» به شمار می‌آید. براین اساس نسبت میان توسعه نیافتگی سیاسی و اجتماعی با توسعه نیافتگی مطبوعات را می‌توان با مدل زیر نشان داد (خانیکی، ۱۳۸۶).



مدل شماره ۱: رابطه میان جامعه مدنی و قدرت با توسعه مطبوعات

چارچوبی برای تحقیق درباره مطبوعات زنان

بر پایه مدلی که در بخش پیشین آمد، می‌توان به مطالعه تطبیقی مطبوعات زنان در دوره‌هایی از تمرکز قدرت سیاسی و یا توزیع نسبی آن نیز پرداخت، بنا به این مدل حداقل چهار فرضیه قابل طرح است.

فرضیه اول: مطبوعات زنان در ساخت قدرت سیاسی متمرکز، توسعه نیافته‌تر و در ساخت قدرت سیاسی توزیع شده، توسعه‌یافته‌ترند.

فرضیه دوم: مطبوعات زنان در دوره‌های قوت و قدرت جامعه مدنی از رشد بالاتر و در دوره‌های ضعف و زوال جامعه مدنی از رشد پایین‌تری برخوردارند.

فرضیه سوم: فرهنگ سیاسی مشارکت‌پذیر و رقابت‌گرا توسعه مطبوعات زنان را تقویت و فرهنگ سیاسی مشارکت‌گریز و رقابت‌ستیز توسعه آن‌ها را تضعیف می‌کند.

فرضیه چهارم: ضعف یا قدرت قانون‌گرایی و نهادهای حقوقی، موجب تشدید و یا تضعیف توسعه‌نیافتگی مطبوعات زنان می‌شود.

این فرضیه‌ها که برای توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی مطبوعات در دو دوره مشروطه و رضاشاه

مورد بررسی قرار گرفته و اثبات شده‌اند (خانیک، ۱۳۸۱). برای دوره‌های تاریخی بعد از این دو دوره و سنجش وضع زیر مجموعه‌هایی از مطبوعات نیز موضوعیت دارند.

دوره دوازده ساله بعد از سقوط رضاشاه که از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شروع و به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ختم شده، نخستین دوره‌ای است که از هر نظر با دوره نخست پس از مشروطه مشابهت دارد. مشخصه اساسی این دوره، تضعیف قدرت متمرکز سیاسی پس از استبداد شبه‌مدرن و تجدد آمرانه رضاشاهی است، اما الزاماً در مراحل آغازین و پایانی آن متغیرهای دیگر از جمله نهادهای مدنی، حاکمیت قانون و فرهنگ سیاسی و در نتیجه، وضع مطبوعات زنان در موقعیت یکسانی قرار ندارند. ابتدای دوره بیشتر معطوف به ناتوانی در اعمال قدرت متمرکز است. در حالی که سال‌های پایانی این دوره تحت تأثیر استقرار دولت ملی، با حاکمیت بیشتر قانون و توانمندی نهادهای مدنی همراه است. به این ترتیب با قبول روند بررسی چهار فرضیه بالا و با استناد به نتایج آن می‌توان فرضیه جدیدی برای تحلیل و تبیین مطبوعات زنان در این دوره طرح کرد و مورد بررسی قرار داد. بنا به این فرضیه در دوره‌ای که «قدرت سیاسی» متمرکز نیست و «جامعه مدنی» هم قدرت دارد، میان این دو متغیر، وضعیت جامعه مدنی بر توسعه مطبوعات زنان تأثیرگذارتر است. به این ترتیب می‌توان فرضیه جدیدی برای مطالعه مطبوعات زنان در دوره خلاء قدرت متمرکز سیاسی ارائه داد:

"قدرت جامعه مدنی" بیش از "عدم تمرکز قدرت سیاسی" بر توسعه مطبوعات زنان در ایران تأثیر دارد. "

برای بررسی این فرضیه که می‌تواند چارچوبی در تحلیل و تبیین مطبوعات زنان باشد، می‌توان دو مقطع آغازین دهه‌های ۲۰ و ۳۰ را که هر دو در این دوره دوازده ساله قرار دارند، برگزید و مطبوعات شاخص زنان را در این دو مقطع بر پایه ویژگی‌های اساسی «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» مطالعه کرد.

یکم: دهه بیست (دوره خلاء قدرت سیاسی متمرکز)

این دهه پس از تبعید رضاشاه در شهریور ماه ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین آغاز می‌گردد.

«ویژگی سال ۱۳۲۰ خورشیدی زمانی مشخص می‌شود که بدانیم از ۲۶۸ عنوان نشریاتی که در فهرست «ساتن»^۱ آمده، تنها ۹۸ روزنامه یا مجله پیش از شهریور این سال پدیدار شده و بقیه در خلال سال‌های ۲۶-۱۳۲۱ انتشار یافته است، البته از این تعداد در زمان تغییر حکومت، تنها ۴۱ روزنامه یا مجله فعال بودند و تنها یک سوم از آن‌ها توانستند بیش از یک سال دوام آورند،

بنابراین اکثر مطبوعات دوران شش ساله در همان شش ماه دوم سال ۱۳۲۰ پا گرفتند» (ساتن و کهن، ۱۳۸۰: ۱۵).

از جمله ویژگی‌های مهم مطبوعات در این مقطع برخورداری از آزادی کامل در پرداختن به مسائل داخلی و امور درون مرزی کشور بود، در حالی که انتشار مباحث مربوط به سیاست خارجی و مطالب برون‌مرزی به شدت از سوی متفقین سانسور می‌شد (همان، ۱۶).

سال ۱۳۲۱ را باید دوره کوتاه کوشش و کشمکش بین دو جناح سیاسی برای تثبیت نوع آزادی به شمار آورد که شدت عمل‌ها و تعقیب و توقیف‌های ۱۷ آذر همان سال را از طریق اعمال مقررات حکومت نظامی به دنبال داشت. البته حکومت نظامی و نظام نامه ناشی از آن توانست تنها برای مدتی کوتاه مطبوعاتی را که در مخالفت با اعمال دولت مطالبی منتشر می‌ساختند توقیف کند ولی در این زمان بیشتر مطبوعات بدون توجه به پایگاه فکری خوانندگان و موضع اجتماعی پشتیبانان خود از انقلاب اجتماعی به مفهوم عام دم می‌زند و کم و بیش حمله به دولت را وظیفه خود می‌دانستند (همان، ۱۶ و ۱۷).

در برابر مقررات حکومت نظامی نسبت به توقیف مطبوعات، چاپ و انتشار نشریه توقیف شده با نام دیگر عادی و مرسوم شده بود و دولت‌مداران نیز به نشریه جایگزین اجازه می‌دادند به فعالیت خود ادامه دهد و مطبوعاتی که از سوی یک حزب سیاسی حمایت می‌شدند در این منازعه موفق‌تر بودند (همان، ۱۹ و ۲۰).

با همه این توصیف‌ها دهه بیست اگرچه به تعبیر آل احمد با «رواج مطبوعات دهن دریده» (آل احمد، ۱۳۶۳: ۲۶) و نوعی لگام گسیختگی برخاسته از شتاب در گفتن شکل می‌گیرد، اما در متن خود نوعی رقابت و گستردگی در مشارکت را نیز به همراه داشت. این گستردگی موضوع‌ها و مطبوعات، خواه‌ناخواه به آشنایی نسبی با برخی از حقوق اجتماعی انجامید، «در این دوره هر بقالی امتیازی گرفته است و هر سرگروه‌ه‌ای اخراج شده‌ای از قشون دارد متن فراموش شده قانون اساسی را به صورت پاورقی در مجله‌اش چاپ می‌کند و هر کارمند دون پایه اداره‌ای مدیر محترم روزنامه‌ای است و حسابی جا سنگین» (همان، ۲۷).

به این ترتیب تنوع و تعدد نشریات از یکسو و نیاز به دانستن و آزادی از سوی دیگر در کنار هرج و مرج و هتاکی، فرهنگ تازه‌ای را در عرصه مطبوعات به میان آورد. این فرهنگ به گفته یکی از نویسندگان روزنامه ایران [در آن ایام] در نخستین روزهای پس از سقوط رضاشاه بی‌شبهت به زبان‌آوری افراد گنگ نبود: «مجلس و ملت ایران بیست سال است چنان تشنه آزادی زبان و قلم بودند که مانند شخص گنگی که غفلتاً به زبان آمده باشد، می‌خواهند در آن واحد هرچه در دل دارند بگویند...» (محسنیان راد، ۱۳۶۵: ۳۰ و ۳۱)، این زبان گشودگی جامعه سبب شد که دهه بیست به رغم همه کاستی‌های مطبوعاتی یکی از برجسته‌ترین

دوره‌های تاریخ مطبوعات ایران به لحاظ تعداد و تنوع نشریات به حساب آید. چون «بر طبق دفاتر وزارت فرهنگ در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بیش از چهار هزار امتیاز نشریه صادر گردید و حداقل ۱۱۶۲ عنوان روزنامه چاپ شد که از آن میان تنها ۲۰ روزنامه به طور مرتب منتشر می‌گردید» (همان).

البته در این دوره میان مطبوعات و احزاب نیز نوعی هم‌سرنوشتی و هم‌پیوندی دیده می‌شود. تعدد احزاب و مطبوعات تا حدودی به هم مرتبط بودند و به شدت از یکدیگر تأثیر پذیرفتند به طوری که طی آن دهه بیش از شصت و پنج حزب و جمعیت به وجود آمد و طبیعی بود که «هم احزاب و هم دارودسته‌ها برای ابراز وجود و تظاهر به شخصیت متوسل به چاپ روزنامه شوند» (همان، ۳۲).

دهه ۲۰ به ویژه سال‌های آغازین آن، به لحاظ ساخت قدرت سیاسی متأثر از تبعید رضاشاه و سقوط یک دولت مقتدر و خودکامه، دارای وضعیتی متزلزل و گرفتار نوعی «خلاء قدرت» و در عین حال ضعف و ناپایداری نهادهای مدنی است. فرهنگ سیاسی نخبگان هنوز با مشارکت و رقابت قاعده‌مند و مستمر خو نگرفته بود و قانون دستخوش تغییرات مدام بود.

حوزه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و مطبوعات بیش از هر عامل اثباتی، تحت تأثیر عامل سلبی یعنی شکستن جو وحشت و خفقان ممیزی رضاخانی بود. بنا به تعبیر یرواند آبراهیمیان «دوران سکوت جای خود را به فریاد نمایندگان پرشور، روزنامه‌نگاران سرزنده و با نشاط، رهبران صریح الهجه حزبی و تظاهرکنندگان ناراضی داد» (آبراهیمیان، ۱۳۷۷: ۲۰۸).

در این شرایط دولت‌ها بی‌ثبات و مرتباً در حال تغییر و مجالس مدام دستخوش رقابت‌های سیاسی بودند. در مدت چهار سال ۹ کابینه تشکیل شد. ترکیب مجلس چهاردهم (اسفند ۱۳۲۲) با نزدیک به نیمی از نمایندگان آن در فرایند یک رقابت گسترده سیاسی تغییر یافت (همان، ۲۴۵).

مطبوعات زنان که با تأخیر نسبت به سایر نشریات در این دوره سر برآوردند، در چنین زمینه سیاسی و مدنی قابل مطالعه‌اند، شاخص‌ترین نشریه زنان این دوره «زن امروز» (۱۳۲۳) است، اما علاوه بر آن مجله‌های عالم زنان (۱۳۲۳)، بیداری ما (۱۳۲۳) و بانو (۱۳۲۳) نیز در دوره آغازین دهه ۲۰ پا به عرصه فعالیت نهادند.

دوم: دهه ۳۰ (دوره تثبیت دولت قانونی و قدرت جامعه مدنی)

سال‌های نخست این دهه که مرحله پایانی دوره عدم تمرکز در ساخت قدرت سیاسی به شمار می‌آید با فرازها و فرودهای نهضت ملی شدن نفت و استقرار دولت ملی دکتر محمد مصدق شناخته شده و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه آن ادامه داشته است.

مطبوعات دوره نهضت ملی به لحاظ کمی و کیفی از وجوه تمایز خاصی به نسبت دوره‌های پیشین و بعدی خود برخوردار بوده‌اند. در این دوره به سبب وجود آزادی‌های نسبی و حاکمیت فضای سیاسی بر جامعه، گرایش‌های مختلف اجتماعی با منشاء‌های متفاوت سیاسی وارد عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی شده بودند. قانون مطبوعات بهمن ۱۳۳۱ علی‌رغم همه کاستی‌ها، محدودیت برای دربار و شاه در ورود به قلمرو انتقادهای مطبوعاتی به وجود آورد و به این سبب حریم تکاپوهای مطبوعات را وسیع‌تر ساخت. تیتراهای آتشین، گزارش‌های هیجانی مستند، پیدایش ادبیات ژورنالیستی و ظهور نویسندگان روزنامه‌نگار بارزترین مشخصه‌های مطبوعاتی این عصر است. فرهنگ عامه با همه زیبایی‌ها و زشتی‌هایش در مطبوعات انعکاس تام و تمام داشت و اغراق، اتهام و دشنام به وفور در مطبوعات دیده می‌شد، سهم بالایی از مجموعه درخور توجه نشریات را طیف گسترده نشریات مخالف دولت به خود اختصاص می‌داد.

با کسب موفقیت‌های سیاسی نهضت، تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و تصدی پست نخست‌وزیری توسط دکتر مصدق (۸ اردیبهشت ۱۳۳۰) سیاست‌هایی اعمال شد که عمدتاً به رشد فرهنگ مطبوعاتی آن دوره کمک‌های فراوان کرد. علاوه بر دستور پخش مستقیم برنامه جلسه‌های علنی مجلس از رادیو، دکتر مصدق در پایان اولین جلسه هیأت دولت به اداره کل تبلیغات دستور داد که به هنگام پخش مطالب و اخبار مربوط به خود او، الفاظ جناب و القاب و عناوین دیگر را به کلی حذف کنند. وی در دستورالعمل دیگری نیز صراحتاً اعلام کرد «در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجناب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند و هرکس نوشته باشد، نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد» (انصاری لاری، ۱۳۷۳: ۹۴). در واقع روحیه آزادی‌خواهی مصدق سبب شد تا در حکومت وی مردم و مطبوعات از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی برخوردار گردند. با تصویب دومین قانون مطبوعات ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۳۵ که فصول پنجگانه آن به «تعریف و تأسیس روزنامه»، «حق جوابگویی و آیین‌نامه‌های مطبوعاتی».

«جرایم مطبوعاتی»، «تخلفات» و «دادرسی مطبوعاتی و هیأت منصفه» اختصاص داشت (همان، ۹۵). زمینه برای تثبیت قانون در روابط میان حکومت و مطبوعات فراهم‌تر شد.

به این ترتیب، این مرحله از تاریخ ایران را که دوره‌ای از «توزیع قدرت سیاسی» است، می‌توان با حیات و فعالیت «نهادهای مدنی»، اهمیت و اولویت «قانون» در مناسبات اجتماعی و گسترش سطوح مشارکت و رقابت میان نخبگان سیاسی از مراحل آغازین آن در دهه ۲۰ متمایز کرد.

مطبوعات زنان نیز در این دوره از شرایط ممتاز سیاسی و مدنی آن تأثیر پذیرفتند. «حقوق زنان» (۱۳۳۱) نشریه شاخص ویژه زنان در این دوره است، اما علاوه بر آن فعالیت سه نشریه دیگر زنان یعنی جهان تابان (۱۳۲۹)، نزهت (۱۳۳۰) و جهان زنان (۱۳۳۱) در میان مطبوعات

آن مقطع نیز درخور توجه است.

تمایزها و تفاوت‌های مجلات شاخص زنان در دو دوره

چنان‌که در بخش پیش آمد، «زن امروز» و «حقوق زنان» دو نشریه شاخص زنان در سال‌های آغازین دهه‌های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی‌اند؛ از این رو مطالعه این دو نشریه و یافتن وجوه تمایز آن دو می‌تواند نقش عوامل سیاسی و مدنی متفاوت را بر نشریات زنان نشان دهد.

۱. زن امروز

هفته‌نامه ویژه زنان به صاحب امتیازی و مدیریت بدرالملوک بامداد است که ۵۳ شماره دور اول آن از ۱۵ خرداد ۱۳۲۳ تا آذر ۱۳۲۴ در تهران منتشر شده است. انتشار دور دوم آن با توقیف سه ساله از اواخر سال ۱۳۲۷ مجدداً آغاز گردیده است، بدرالملوک بامداد که فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا و از روزنامه‌نگاران با سابقه آن دوران است (صالحیار، ۱۳۵۱: ۶). در معرفی نخستین شماره این نشریه آورده است: «*مسلك ما ايجاد انقلاب اخلاقي است، اين روزنامه كاملاً آزاد و فقط طرفدار مرام حزب زنان ايران است*» (زن امروز، ۱۳۲۳: الف ۱).

زن امروز از آن رو که به یک تشکل زنانه نزدیک بود، حتی به مسائل سیاسی عصر خود از نگاهی زنانه می‌نگریست، چنان‌که در سرمقاله نخستین شماره خود تحت عنوان «ای شیر زنان، کشور ما مرد ندارد» به اوضاع نابسامان کشور چنین اشاره دارد: «*این سرزمین فلاکت و ادب‌اری که روح شهامت و آزادی به تمام معنی از آن رخت بسته و رفته رفته این قوم سیه روزگاری که از جاده حق و راستی و سایر فضایل اخلاقی منحرف گشته، با سرعت به طرف پستی و انقراض می‌تازد... این ظلمتکده‌ای که در قرن الکتریسیته و دوره حکمفرمایی علم در آن می‌بندند و زن‌ها را از نور دانش و آزادی محروم می‌کنند و در مدارس سطح معلومات جوانان را روز به روز پایین می‌آورند، نمونه جامعی از طرز اداره کردن مردان یا اختیار داران این کشور است*» (همان)، این مقاله در آن شرایط مسئولیت زنان را سنگین‌تر می‌داند و مردان را چنین مخاطب قرار می‌دهد «*گر در میان شما مردان، کسانی هستند که این مرارت‌ها و تجربه‌های تلخ آن‌ها را بیدار کرده، حاضر باشند نه یک قطره خون بلکه یک قطره عرق خود را در راه مرمت این خرابی‌ها بریزند، ما زن‌های روشنفکر هم با تمام قوت و هستی خود کمک شما هستیم و خدای ایران هم با ماست... اگر خدای نکرده هنوز هم گرفتار کابوس غفلت هستید، پس بهتر است که جسد نیمه‌جان مادر میهن را در این دم آخر برای پرستاری به دخترانش واگذار کنید و از پی کار خود بروید*» (همان).

زن امروز البته علاوه بر طرح مسائل اساسی کشور و جامعه با مسئولیت بخشی به زنان به مشکلات جامعه زنان نیز به طور خاص پرداخته است. «*اعتراض به بستن مدرسه دخترانه کاشان*»

همان، ص ۱)، «ضرورت تجدید نظر در قانون ازدواج و طلاق» (زن امروز، ۱۳۲۳: ب ۳)، «پیشنهاد استفاده زنان از حقوق و مزایای اجتماعی برابر از قبیل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی» (زن امروز، ۱۳۲۳: ج ۱) از این جمله‌اند.

به لحاظ شکلی استفاده «زن امروز» از نقاشی‌های تصویری به جای متن از جمله ویژگی‌های آن است، که از همان شماره نخست مشاهده می‌شود. در آن شماره با قرار دادن دو تصویر از مردان و زنان، وجوه تمایز این دو جامعه ترسیم شده است. در تصویر اول مردان بی‌کار در حال شراب‌خواری و در تصویر دوم زنان فعال در قالب مشاغل مختلف مثل کتاب‌داری، نویسندگی، زراعت، طبابت و کار در آزمایشگاه آورده شده و با این دو بیت مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

ملک ویرانه و فرصت کم و مردان در خواب ای زنان دامن همت به کمر باید زد

آتش عشق درون دل مردان افسرد اندرین سینه افسرده شرر باید زد

«زن امروز» را باید از سویی محصول جامعه مطبوعاتی به زبان آمده بعد از استبداد و خفقان سنگین رضاشاهی دانست که تجربه آزادی در خلاء قدرت متمرکز را پشت سر می‌نهد و از سوی دیگر باید آن را به عنوان نشریه‌ای مورد مطالعه قرار داد که در پی طرح مسائل خاص زنان به ویژه آن بخش است که مورد توجه حزب زنان ایران بوده است. وجه اول زن امروز آن را در اعداد نشریات آزادی‌گرا و وجه دوم آن، نشریه را در شمار نشریات متجدد و متکی بر حقوق زن قرار می‌دهد.

در وجه اول، زبان زن امروز صریح و شجاعانه و معطوف به تعلق خاطر به مجموعه مطبوعات آزادی‌گراست چنان‌که در شماره ۴۱ آن آمده است: «وقتی که می‌بینیم فرمانداری نظامی متجاوز از شصت روزنامه آزادی‌خواه را توقیف کرده و با این عمل سانسور افکار و ترور عقاید را مثل دوره رضاخانی از سر گرفته است، نمی‌توانیم از ابراز این مطلب خودداری کنیم که این جا مستعمره است یا دیکتاتوری، نه کشور مستقل» (زن امروز، ۱۳۲۴: ۱).

در وجه دوم زن امروز از زبانی ترقی‌خواهانه و برآمده از خواسته‌های حزب زنان ایران است، معرف این ویژگی تقاضا از نمایندگان مجلس چهاردهم است که «... به امر پیشرفت زنان در امور اجتماعی توجه زیادی مبذول دارند زیرا جلوگیری از پیشرفت زن‌ها به طور قطع متضمن جلوگیری از ترقیات کشور است» (زن امروز، ۱۳۲۳: ب ۳).

۲. حقوق زنان

اولین شماره هفته نامه «حقوق زنان» با صاحب امتیازی ام سلمه ابتهاج مست حق (ا. مست حق) به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۱ در تهران انتشار یافته است. ابتهاج که تحصیلات خود را در دبیرستان تربیت تهران به پایان رسانیده بود (صالحیار، ۱۳۵۱: ۳) در سر مقاله نخستین شماره این نشریه تحت عنوان «هدف ما» چنین اعلام موضع کرده است: «... برخلاف آنچه تصور

می‌کنند و مردم را می‌فریبند معتقدیم روزنامه‌نویسی لباس و کفش و کلاه / نیست / که از مد بیفتد. غذا و خوراک و آب و شراب هم نیست که پس از یک بار استفاده تمام شود و معدوم گردد. اگر روزنامه به سیاست خاصی، به جریان اجتماعی موقت و یا به حوادث زودگذر تکیه نداشته باشد و دارای مشی سیاسی و اجتماعی وزین و روشن باشد و هر روز از شاخی به شاخی نپرد و منظورش دفاع از حق و حقیقت و نوشتن حقایق و هدایت مردم و جامعه باشد، هرگز از مد نخواهد افتاد... اکنون که ما قدم به عالم مطبوعات گذارده‌ایم هیچ منظور و مقصود شخصی یا حزبی نداریم. به جمعیت و دسته خاصی هم وابسته نیستیم... منظورمان فقط خدمت به خلق و برقراری مساوات و عدالت اجتماعی و به خصوص احقاق حقوق از دست رفته زن می‌باشد و تنها مانعی که ممکن است ما را از پای درآورد مشکلات مالی است و لاغیر. با سایر مشکلات مجدانه مبارزه خواهیم کرد و تا سرحد امکان می‌کوشیم که به مردم و ایران و ایرانی خدمت کنیم ولی برخلاف آنچه در سایر مرام‌نامه‌های گفته شده ادعای زیادی نداریم جاه‌طلب نیستیم و حرف‌های گنده‌تر از خودمان هم نمی‌زنیم، با کسی و مقامی سر جنگ و ستیز نداریم...» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: الف ۱)

از مهم‌ترین ویژگی‌های این نشریه، برخورداری از سرمقاله‌های صرفاً سیاسی بدون اشاره به مسائل زنان است، چنان‌که در سرمقاله شماره هفتم آن با عنوان «دکتر مصدق باید بماند و مشکل نفت را حل کند.» آمده است: «مشکل نفت دکتر مصدق را روی کار آورد. این مشکل باید به دست مصدق حل شود، نه این که او را از پای درآورد... در این هنگام که فقر و گرسنگی سراسر مملکت را فراگرفته، خزانه تهی است، روز به روز صف بی‌کاران طولی‌تر می‌شود، فشارهای داخلی و خارجی دائماً گرده‌زده ضعیف ملت ایران را خم‌تر می‌کند. تنها یک نخست‌وزیر ملی و محبوب، یک رئیس‌دولتی که با هیچ دولت خارجی سرسازش و زد و بند نداشته باشد می‌تواند حکومت کند. کیست که در این موقع بتواند ادعا کند که به قدر دکتر مصدق محبوبیت دارد.» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: ب ۱).

این رویکرد سیاسی در سرمقاله‌های شماره ۱۱ نشریه با عنوان «تصویب لایحه اعطای اختیارات به دولت به منزله سومین پیروزی دکتر مصدق است»، در شماره ۱۲، با عنوان «آقای دکتر مصدق! مملکت را از دستبرد اراذل و اوباش حفظ کنید»، در شماره ۳۳ با عنوان «اغراض خصوصی، بغض و کینه‌های مملکت بر باد ده را در این موقع حساس کنار بگذارید»، در شماره ۳۵ تحت عنوان «با ملی شدن شیلات پیروزی دیگری نصیب ملت قهرمان ایران گردید»، در شماره ۴۷ با عنوان «دولت باید بدون کمترین رحم و شفقتی این توطئه‌چینان خون‌آشام را به مجازات برساند.» نیز دنبال شده است.

حقوق زنان از همین زاویه به طرح مسائل زنان ایرانی در فرایند رشد اجتماعی کل جامعه

می‌پرداخت و می‌کوشید با روشی جدید و در خلال توصیف ترقیات زنان جوامع دیگر آنان را به گرفتن حقوق خود ترغیب کند، چنان‌که در اولین شماره این نشریه تحت عنوان «حق گرفتن است» به نتایج جنبش زنان در اروپا که تمامی جوامع اروپایی را منتفع کرده است اشاره شده و آمده است که اروپاییان «جمیع معایب و تقایص جامعه را از بیکار ماندن نسوان دانسته و هیأت اجتماع را به بدن نیمه مفلوجی تشبیه کردند که از ناتوانی نمی، نیم دیگر را بر خاک می‌کشاند و بر این عقیده واثق شدند که بهبودی حال خانمها و حصول حقوق آنها تنها راه ترقی نوع بشر است و یک صدا شدند که اگر خانمها حق از دست رفته و غصب شده خود را بگیرند آن تن نیم مرده که بر خاک می‌خرد چون مرغی با دو بال قوی به آسمان موفقیت و آرزو پرواز خواهد کرد... خانمها در اثر فعالیت خستگی‌ناپذیر خود و در حمایت طرفداران حقیقی، حقوق خود را تصاحب کردند در شئون اجتماع و در مراتب علمی مداخله و مبارزه را شروع نمودند. در اکثر شعب، کار حساس به دست خانمها افتاد... خانمهای عزیز نمی‌دانم آیا هنوز موقع جنبش و مبارزه شما نرسیده؟ و آیا مرد ایرانی نیز هنوز خود را مستغنی از مساعدت زن می‌داند؟... خانمهای عزیز مادام که ما با این حال سستی و خمودی هستیم. تا وقتی که ما فقط با اظهار محرومیت‌های خود اکتفا می‌کنیم امکان‌پذیر نیست که یک گام به سوی آرزو برداریم و آقایان تا روزی که حقوق حقه خانمها را به رسمیت نشناخته‌اند هر اصلاحاتی در وضع اجتماع قائل شوند گویی ایوان پی شکسته‌ایی را رنگ و رو کرده‌اند...» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: الف ۲).

در مقاله «حقوق زن» در شماره ۱۱ نیز نویسنده با اشاره به حقوق مدنی و سیاسی کسب شده از سوی زنان ترکیه در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۲۶ آورده است: «وضع کنونی زن ایرانی در میدان اجتماع و سیاست و خانواده فقط صفر است. وضع زن ایرانی در اجتماع غیر قابل بحث است و در خانواده غیر قابل تحمل» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: ج ۲).

این نشریه در شماره ۳۳ خود هم، در مقاله‌ای با عنوان «زنان ایران می‌خواهند با شرکت در انتخابات رشد ملی خود را ثابت کنند» به تصریح نوشته است که: «... اکنون که ملت ایران و افکار عمومی مایل است زنان ایران حق خود را به دست آورند، موانعی که سد این اقدام نیکوست، لازم است از میان بردارند و با در نظر گرفتن این که مجلس شانزدهم حقوق نسوان را با مردان مساوی دانسته و زن‌های تونس، لبنان، مصر، پاکستان و هندوستان دوش به دوش مردان برای به دست آوردن آزادی مبارزه می‌کنند، صلاح نیست که به زنان یک کشور تاریخی به خصوص این که در مبارزات اخیر نشان دادند قابلیت مداخله در امور سیاسی و اجتماعی را دارند گفت شما باید در کنج منزل بنشینید و از مداخله در سرنوشت خود در چنین عصری خودداری کنید» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: د ۳).

این‌گونه رویکرد جامع و فراگیر نشریه «حقوق زنان» به مسائل زنان ایران و دفاع از حقوق آنان در پارادایم توسعه سیاسی، از وزن و وقار بیشتری به نسبت نشریات پیشین زنانه برخوردار بوده

است، حقوق زنان اگر چه دیدگاهی مدرن در حوزه زنان دارد، اما آن را در صورتی سازگار با دین و فرهنگ اسلامی مطرح کرده است، نوشته شخص سر دبیر در شماره ۷ نشریه در پاسخ برخی افراد که با زبان مذهب به نفی حقوق زنان پرداخته‌اند، شاهدهی بر این مدعاست. او در مقاله «آخرین پاسخ ما به دوست و خیرخواه بانوان» نوشته است: «... آقای محترم: من نیز مانند شما مسلمان و مؤمن و به مفاد آیه شریفه (الرجال قوامون علی النساء) معتقدم و از این حیث اختلاف نظری با جنابعالی ندارم. افتراق عقیده‌ام با شما از آنجا شروع می‌شود که شما آن‌ها را از زنان را هنوز هم محجور و صغیر می‌پندارید و به قیومیت «بلاقید و شرط» مرد محکوم می‌کنید ولی من معتقدم این سرپرستی بر اثر مرور زمان و تحول جهان و دگرگونی اوضاع و احوال و بالاخره پیدایش نهضت‌های عمیق و پیگیر نسوان، جای خود را به حمایت و هم‌کاری و هم‌فکری داده است، در این صورت از جانب کلیه بانوان وکالت دارم به شما اطمینان بدهم که ما با نهایت میل و رغبت طالب حمایت مردان هستیم...» (حقوق زنان، ۱۳۳۱: ب ۴).

این ویژگی‌های «حقوق زنان» که تحت تأثیر موقعیت‌های دموکراتیک سال‌های آغازین دهه ۳۰ و پویایی و نشاط فضای سیاسی و مدنی آن سال‌ها قرار داشته است نشریات زنان این دوره را در مدار توسعه یافته‌تری به نسبت سال‌های آغازین دهه ۲۰ نشان می‌دهد.

تحلیل محتوای «زن امروز» و «حقوق زنان»

بخشی از تفاوت‌ها و تمایزهای دو نشریه شاخص دهه ۲۰ و دهه ۳۰ را که محصول دو موقعیت و دو گفتمان سیاسی و مدنی متفاوت و متمایز هستند، می‌توان از طریق تحلیل محتوای آن‌ها نیز دریافت کرد. در این مقاله با تحلیل ثانوی نتایج تحلیل محتوای ۱۷۶ مطلب از هفته‌نامه زن امروز و ۱۰۳ مطلب از هفته‌نامه حقوق زنان، پیرامون نحوه انعکاس امور زنان در نشریات زنان طی مقاطع مختلف که توسط معصومه کیهانی انجام گرفته است (کیهانی، ۱۳۷۸: ۱۱۴ تا ۱۴۳)، تلاش شده است این تفاوت‌ها و تمایزها طبقه‌بندی و تبیین شوند.

از میان پرسش‌های پژوهش یاد شده، این مقاله دو پرسش را به تناسب موضوع تحقیق برگزیده است.

۱. در دو مقطع تاریخی چه مشکلات و مسائلی در ارتباط با زنان، بیشتر برجسته شده است؟
۲. آیا برجسته شدن این مشکلات، با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز جامعه تناسبی داشته است؟

پژوهش کیهانی در کنار دو نشریه اطلاعات بانوان و زنان (۱۳۵۵ و ۱۳۷۶)، ۱۲ شماره از زن امروز و ۱۰ شماره از حقوق زنان (۱۳۲۳ و ۱۳۳۱) را مورد بررسی قرار داده و بر پایه ۱۳ متغیر مطالب آن‌ها را تحلیل محتوا کرده است. جدول شماره ۱، این دسته از متغیرها را به منظور

افزایش فراوانی‌های مورد انتظار ادغام کرده و محاسبه‌های جدید آماری را انجام داده است. از میان آن متغیرها چهار مقوله «مشارکت سیاسی، مجلس، قانونگذاری و جنگ»، «امور اجتماعی»، «فرهنگی، ادبی و هنری» و «خانواده» که به موضوع مقاله نزدیک‌تر بودند، انتخاب شد. این مقوله‌ها دربرگیرنده مسائلی ذیل هستند.

۱. «مشارکت سیاسی، مجلس قانونگذاری و جنگ»: مطالب مشتمل بر مشارکت سیاسی زنان در دولت و احزاب و انتخابات مجلس (حق رأی)، نمایندگی و قانونگذاری، امور جنگ، حقوق بشر، آزادی زنان و سهم زنان در اداره امور کشور.

۲. «امور اجتماعی»: مطالب مربوط به مشارکت اجتماعی زنان، مراکز سیاست‌گذار امور اجتماعی به لحاظ ملی و بین‌المللی، مسائل خاص دختران، آداب و رسوم مرتبط با زنان مثل تشریفات ازدواج، مهریه و... روانشناسی اجتماعی (توانایی‌های شخصیتی - روانی زنان، روابط اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی زنان در سطح ملی و بین‌المللی، بحث تنظیم خانواده و جمعیت و رفاه، امنیت و تأمین اجتماعی و...).

۳. «فرهنگی، هنری و ادبی»: مطالب مربوط به مسائل زنان در رسانه‌های دیگر، زنان در سینما و تئاتر و موسیقی و نقاشی و صنایع دستی، زنان و پژوهشگری، زنان و نویسندگی، زنان و شعر، زنان و ترجمه، معرفی و نقد کتاب و مطالب نشریات اعم از شعر و داستان و مقاله با موضوع زنان، مراکز فرهنگی سیاست‌گذار در امور زنان، توسعه فرهنگی زنان از طریق آموزش و نشر و روزنامه‌نگاری، دیدگاه‌ها و جنبش‌های فکری مدافع و مخالف حقوق زنان، زن در تاریخ و... .

۴. «خانواده»: مطالب مربوط به خانواده، وضعیت کلی زندگی خانوادگی در ایران، مناسبات زن و مرد در خانواده، روابط مادر و فرزند، مسائل کودک، روابط فرزند با پدر و مادر، خانه‌داری و آشپزی، اعمال خشونت علیه زنان توسط شوهران و... .

از میان توصیفات پژوهش یاد شده جدول‌هایی که تعداد و فراوانی مجموع مطالب موضوعی دو نشریه را نشان می‌دهند، در پی آمده‌اند.

جدول شماره ۱: تعداد و درصد فراوانی مجموع مطالب موضوعی دو نشریه زن امروز و حقوق

زنان و مقایسه آنها

ردیف	موضوع	زن امروز	حقوق زنان	جمع سطری
۱	مشارکت سیاسی	۱۸	۱۹	۳۷
		%۴۸	%۵۲	۱۳/۲۶
۲	امور اجتماعی	۱۶	۱۹	۳۵
		%۴۵/۷۲	%۵۴/۲۸	۱۲/۵۴
۳	خانواده و زندگی زناشویی	۶۶	۲۷	۹۳
		%۷۰/۹۶	%۲۹/۰۴	۳۳/۳۳
۴	فرهنگی، هنری، ادبی	۳۲	۲۲	۵۴
		%۵۹/۲۵	%۴۰/۷۵	۱۹/۳۵
۵	امور اقتصادی، اشتغال + آموزشی، علمی + امور حقوقی	۲۲	۳	۲۵
		%۸۸	%۱۲	۸/۹
۶	بهداشت و بیماری‌ها + حوادث و اتفاقات	۲	۷	۹
		%۲۲/۲۲	%۷۷/۷۴	۳/۲
۷	سایر	۲۰	۶	۲۶
		%۷۶/۹۲	%۲۳/۰۷	۹
	جمع سطری	۱۷۶	۱۰۳	۲۷۹

$$X^2 = 25/7 \text{ df} = 6 \text{ P} < 0.1$$

جدول شماره ۲: درصد و فراوانی مطالب مشارکت سیاسی در دو نشریه زن امروز و حقوق زنان

ردیف	موضوع	۱۳۲۳-۲۴ زن امروز	۱۳۳۱-۳۲ حقوق زنان
۱	شرکت در راهپیمایی، احزاب و تشکل‌های سیاسی	تعداد ۰ درصد سطری ۰ درصد ستونی ۰	تعداد ۱ درصد سطری ۱۰۰ درصد ستونی ۵/۳
۲	حق رأی، نمایندگی و مجلس	تعداد ۳ درصد سطری ۲۷/۶ درصد ستونی ۱۷/۶	تعداد ۸ درصد سطری ۸۲/۴ درصد ستونی ۴۲/۱
۳	حقوق بشر، آزادی و زنان	تعداد ۵ درصد سطری ۵۵/۵ درصد ستونی ۲۹/۴	تعداد ۴ درصد سطری ۴۴/۵ درصد ستونی ۲۱/۱
۴	سهم زنان در اداره امور کشور	تعداد ۳ درصد سطری ۴۲/۸ درصد ستونی ۱۷/۶	تعداد ۴ درصد سطری ۵۱/۲ درصد ستونی ۲۱/۱
۵	سایر	تعداد ۶ درصد سطری ۴۲/۸ درصد ستونی ۳۵/۳	تعداد ۲ درصد سطری ۵۱/۲ درصد ستونی ۱۰/۵
	جمع	تعداد ۱۷ درصد ۱۳/۹	تعداد ۱۹ درصد ۱۵/۶

جدول شماره ۳: درصد و فراوانی مطالب اجتماعی در دو نشریه زن امروز و حقوق زنان

ردیف	موضوع	۱۳۲۳ - ۲۴ زن امروز	۱۳۳۱ - ۳۲ حقوق زنان
۱	مشارکت اجتماعی زنان	تعداد	۱۰
		درصد سطری	۷۰
		درصد ستونی	۵۲/۶
۲	مسائل خاص دختران	تعداد	۱
		درصد سطری	۱۲
		درصد ستونی	۵/۳
۳	آداب و رسوم (تشریفات ازدواج و مهریه و...)	تعداد	۱
		درصد سطری	۱۰۰
		درصد ستونی	۵/۳
۴	روانشناسی اجتماعی (اتکا به نفس و توانایی شخصیت)	تعداد	۴
		درصد سطری	۱۰۰
		درصد ستونی	۲۱/۱
۵	رفاه، امنیت و تأمین اجتماعی	تعداد	۱
		درصد سطری	۱۰۰
		درصد ستونی	۵/۳
۶	روابط اجتماعی (آداب معاشرت)	تعداد	۰
		درصد سطری	۰
		درصد ستونی	۰
۷	سایر	تعداد	۲
		درصد سطری	۴۰
		درصد ستونی	۱۰/۵
	جمع	تعداد	۱۹
		درصد	۱۵/۲

جدول شماره ۴: درصد و فراوانی مطالب مربوط به خانواده در دو نشریه زن امروز و حقوق زنان

ردیف	موضوع	۱۳۲۳ - ۲۴ زن امروز	۱۳۳۱ - ۳۲ حقوق زنان
۱	وضع کلی زندگی خانوادگی در ایران	تعداد ۱۵ درصد سطری ۷۵ درصد ستونی ۲۲/۴	تعداد ۵ درصد سطری ۲۵ درصد ستونی ۱۷/۹
۲	مناسبات زن و مرد در خانواده (زندگی زناشویی)	تعداد ۲ درصد سطری ۲۸/۵۷ درصد ستونی ۳/۰	تعداد ۵ درصد سطری ۷۱/۴۳ درصد ستونی ۱۷/۹
۳	روابط مادر و فرزند	تعداد ۸ درصد سطری ۷۲ درصد ستونی ۱۱/۹	تعداد ۳ درصد سطری ۲۸ درصد ستونی ۱۰/۷
۴	مسائل کودک	تعداد ۳۱ درصد سطری ۵۵/۴ درصد ستونی ۴۶/۳	تعداد ۸ درصد سطری ۱۴/۳ درصد ستونی ۲۸/۶
۵	آشپزی و خانه‌داری (مهمان‌نوازی، دکوراسیون و ...)	تعداد ۱۱ درصد سطری ۷۸ درصد ستونی ۱۶/۴	تعداد ۳ درصد سطری ۲۲ درصد ستونی ۱۰/۷
۶	سایر	تعداد ۰ درصد سطری ۰ درصد ستونی ۰	تعداد ۴ درصد سطری ۱۰۰ درصد ستونی ۱۴/۳
	جمع	تعداد ۶۷ درصد ۳۰/۵	تعداد ۲۸ درصد ۱۲/۷

جدول شماره ۵: درصد و فراوانی مطالب فرهنگی، هنری و ادبی در دو نشریه زن امروز و حقوق زنان

ردیف	موضوع	۱۳۲۳-۲۴ زن امروز	۱۳۳۱-۳۲ حقوق زنان
۱	زنان و نویسندگی، شاعری و مترجمی	تعداد درصد سطری درصد ستونی	تعداد درصد سطری درصد ستونی
۲	معرفی و نقد کتاب و مطالب با موضوع زنان	تعداد درصد سطری درصد ستونی	تعداد درصد سطری درصد ستونی
۳	توسعه فرهنگی زنان از طریق انتشار نشریه و...	تعداد درصد سطری درصد ستونی	تعداد درصد سطری درصد ستونی
۴	سایر	تعداد درصد سطری درصد ستونی	تعداد درصد سطری درصد ستونی
	جمع	تعداد درصد	تعداد درصد

توصیف اولیه دو نشریه

زن امروز: پژوهش کیهانی ویژگی‌های مطالب نشریه زن امروز را چنین توصیف کرده است (همان، ۱۲۴-۱۲۰).

یکم: این نشریه براساس جدول شماره ۱ بیش از همه به دو مقوله «خانواده» و «فرهنگی، هنری و ادبی» پرداخته است. به گونه‌ای که ۳۷/۵ درصد مطالب آن به خانواده و ۱۸/۲ درصد مطالب به مقوله فرهنگی، هنری و ادبی اختصاص داشته است. بعد از این دو، درصد مربوط به مطالب «مشارکت سیاسی، مجلس و جنگ» قرار می‌گیرد (۱۰/۲ درصد).

بر پایه داده‌های جدول شماره ۲ در مقوله مشارکت سیاسی «زن امروز» بیشترین مطالب را به ترتیب، به زیرمقوله‌های «حقوق بشر، آزادی و زنان» با ۲۹/۴ درصد و بعد به «حق رأی و مجلس» و «سهم زنان در اداره امور کشور» به طور مساوی با ۱۷/۶ درصد تخصیص داده است. در مورد میزان توجه «زن امروز» به مسائل اجتماعی، همان‌گونه که فراوانی‌های جدول شماره ۳

نشان می‌دهد، این نشریه ۴۳/۸ درصد مطالب اجتماعی را به مسائل خاص دختران و ۱۸/۸ درصد مطالب را به مشارکت اجتماعی و همین رقم را به روابط اجتماعی زنان اختصاص داده است.

در میان زیرمقوله‌های «خانواده» که بیشترین درصد مطالب «زن امروز» (۳۷/۵ درصد) به آن اختصاص داشته است، بر پایه فراوانی‌های جدول شماره ۴ مسائل کودک بالاترین رقم را دارد. به عبارت دیگر، ۴۶/۳ درصد مطالب این نشریه در زمینه موضوعی «خانواده، مسائل کودک» و ۲۲/۴ درصد مطالب مربوط به «وضع کلی زندگی خانوادگی در ایران» بوده است.

فراوانی‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد در مقوله «فرهنگی، هنری و ادبی» که بعد از مقوله «خانواده» مورد توجه «زن امروز» قرار داشته است، این نشریه بیش از همه به معرفی و نقد کتاب و مطالب (اعم از شعر، داستان و مقاله) با موضوع زنان پرداخته است. بالاترین درصد مطالب «فرهنگی، هنری و ادبی» یعنی ۵۱/۶ درصد به این موضوع اختصاص دارد. و بعد از آن «توسعه فرهنگی زنان از طریق انتشار نشریه و کتاب» قرار می‌گیرد که ۱۲/۹ درصد مطالب نشریه را دربر می‌گرفته است.

حقوق زنان: همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد این نشریه بیشترین درصد مطالبش را به ترتیب به «خانواده» (با ۲۶/۲ درصد) و «امور فرهنگی، هنری و ادبی زنان» (با ۲۱/۴ درصد)، «امور اجتماعی زنان» و «مشارکت سیاسی، مجلس و جنگ» (هر کدام با ۱۸/۴ درصد) اختصاص داده است (همان).

در مقوله مشارکت سیاسی، «حقوق زنان» متناسب با فضای نسبتاً باز سیاسی- فرهنگی جامعه و این که حق رأی زنان هنوز به لحاظ قانونی «رسمیت نیافته»، بیشترین توجه را به زیر مقوله «حق رأی، نمایندگی و مجلس» داشته است. به طوری که ۴۲/۱ درصد مطالب سیاسی خود را به این مسئله اختصاص داده است. بعد از این موضوع، طرح موضوعات «حقوق بشر، آزادی زنان» و «سهم زنان در امور کشور» جای دارد که هر کدام ۲۱/۱ درصد مطالب سیاسی را شامل می‌شدند.

در میان مطالب متنوع اجتماعی نشریه «حقوق زنان»، مشارکت اجتماعی زنان بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است و ۵۲/۶ درصد مطالب اجتماعی، پیرامون موضوع مشارکت اجتماعی زنان بوده است و بعد از این مقوله، مبحث روانشناسی اجتماعی زنان که ۲۱/۱ درصد مطالب اجتماعی را در بر گرفته، مورد توجه دست‌اندرکاران نشریه قرار داشته است.

فراوانی‌های جدول شماره ۴ حاکی است که در مقوله «خانواده»، «حقوق زنان» بالاترین درصد مطالب، یعنی ۲۸/۶ درصد را به مسائل کودک و سپس مناسبات زن و مرد در خانواده و «وضع کلی زندگی خانوادگی در ایران» (هر کدام با ۱۷/۹ درصد) تخصیص داده است. ۱۰/۷ درصد

مطالب خانواده نیز شامل مسائل آشپزی و خانه‌داری بوده است. در جدول شماره ۵ توزیع فراوانی مسائلی که زیر مجموعه مقوله «فرهنگی، هنری و ادبی» در «حقوق زنان» قرار گرفته‌اند نشان داده شده‌اند. در این زمینه به ترتیب اهمیت موضوعی، «معرفی و نقد کتاب و مطالب» (اعم از شعر و داستان و مقاله) با موضوع زنان ۳۱/۸ درصد مطالب، «توسعه فرهنگی زنان از طریق انتشار نشریه و کتاب» ۲۷/۳ درصد مطالب «زنان و مطبوعات» ۱۸/۲ درصد مطالب و «زنان و نویسندگی» ۱۳/۶ درصد مطالب را در برمی‌گیرد. در حوزه مطالب حقوقی نیز، «حقوق زنان» تنها یک مطلب در مورد حقوق زنان در قانون مدنی، درج کرده است.

تحلیل ثانوی و تبیین یافته‌ها

۱. با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میان دو مجله از نظر زیرمقوله‌های مورد بررسی در جدول شماره ۱، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که مجله «حقوق زنان»، از میان مسائل مختلف زنان بیشتر به «مشارکت سیاسی، مجلس، قانونگذاری و جنگ» پرداخته است (با ۱۸/۴ درصد کل مطالب)، در حالی که «زن امروز» به مسئله «خانواده و زندگی زناشویی» اهتمام بیشتری داشته است (با ۳۷/۵ درصد کل مطالب). این تفاوت نشان می‌دهد که در خلاء و یا ضعف قدرت متمرکز (طلیعه دهه ۲۰) میل به کسب هویت و تشخیص حوزه‌های خصوصی که پیش از آن مورد تعرض قرار گرفته‌اند اولویت می‌یابد، چنان‌که در موقعیت‌های قاعده‌مند و قانونی (آغاز دهه ۳۰) ضرورت مشارکت سیاسی بیشتر احساس می‌شود.

۲. در مقوله «مشارکت سیاسی» (جدول شماره ۲)، اگر چه جدول در زمینه زیرمقوله‌های «حقوق بشر، آزادی زنان»، «حق رأی مجلس» و «سهم زنان در اداره امور کشور» تفاوت‌هایی را میان دو نشریه به لحاظ فراوانی‌ها و درصدها نشان می‌دهد، اما به دلیل عدم امکان انجام آزمون‌های آماری و محاسبه کای اسکویر، تحلیل این یافته‌ها ممکن نبود.

به رغم آن‌که در این مرحله از تحقیق حتی برای برخی از زیرمقوله‌ها ادغام‌هایی نیز صورت گرفت، اما انجام آزمون‌های آماری امکان‌پذیر نبود که این می‌تواند متأثر از کم بودن فراوانی زیرمقوله‌های دو نشریه در تحقیق نخست باشد.

البته بر پایه تحلیل‌های کیفی می‌توان حدس زد که در سال‌های آغازین دهه ۲۰ چون پس از اختناق دوران رضاشاه، «آزادی» اولویت یافته بود، باید گرایش غالب «زن امروز» نیز بیشتر به سوی مسائلی از این دست باشد. در سال‌های آغازین دهه ۳۰ که با پشت سر نهادن قریب یک دهه تجربه آزادی‌های نسبی همراه است، به دلیل برجسته شدن نقش نهادهای مدنی و قدرت یافتن مجلس در نظام تصمیم‌گیری، در حوزه زنان هم مقوله‌هایی مثل «حق رأی» و

«نماینده‌گی مجلس» بیشتر اهمیت می‌یابد که باید این مسئله نیز در «حقوق زنان» انعکاس داشته باشد.

۳. در مقوله‌های «خانواده»، «امور اجتماعی» و «فرهنگ، ادب و هنر» نیز مانند مورد پیشین تبیین معنی‌داری رابطه‌ی زیرمقوله‌های آن‌ها (جدول‌های ۳، ۴ و ۵) به سبب عدم امکان انجام آزمون‌های آماری میسر نگردید. به این ترتیب تنها می‌توان به استناد گفتمان‌های غالب فرهنگی و اجتماعی در مدت دوازده ساله تحقیق، بر اهمیت داشتن مداوم «تهاد خانواده و نقش کودکان» و برجسته‌تر شدن تدریجی ضرورت «مشارکت اجتماعی زنان» و «حضور مؤثر آنان» در «عرصه‌ی تولید فرهنگی» در دو نشریه «زن امروز» و «حقوق زنان» وقوف یافت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های کمی تحقیق انجام گرفته در باب نشریات زنان نیز نشان می‌دهد که در مقاطع متفاوت تاریخی موارد متفاوتی از میان مسائل زنان در معرض توجه نشریات ویژه‌ی زنان قرار می‌گیرند (پرسش اول تحقیق) و برجسته شدن مسائل و مشکلات زنان در این نشریات با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و گفتمان‌های مسلط نیز نسبت دارد (پرسش دوم تحقیق)، در واقع چون سال‌های آغازین دهه ۲۰ با طرح مسئله «آزادی» در برابر «اختناق»، همراه بوده است توجه به «حق زن در خانواده» در برابر «زن به عنوان جنس دوم»، «آموزش دختران» در برابر «خانه‌داری آنان»، و به طور کلی «استقلال و توانمندی زن در برابر انقیاد و ناتوانی او» هم برای زنانی که تجربه‌ی زندگی در فروپاشی قدرت مستبد سیاسی را آغاز کرده‌اند، اهمیت یافته بود، لذا این‌گونه مسائل را می‌توان در شمار اولویت‌های موضوعی نشریه‌ی شاخص آن دوره یعنی «زن امروز» مشاهده کرد.

در سال‌های آغازین دهه ۳۰ مسائلی چون «حاکمیت مردم» در برابر «استبداد»، «امر اجتماعی» در برابر «امر شخصی»، «مشارکت سیاسی» در برابر «ترجیحات جنسیتی» و «حقوق انسانی» در برابر «منافع فردی» از جمله اولویت‌های جامعه‌ای شده بود که دست‌اندرکار خلق جنبشی فراگیر و مدنی در ایران بود. این اولویت‌ها به صورت‌های مختلف در جامعه‌ی سیاسی زنان نیز مطرح شده و در نشریه‌ی شاخص آن دوره یعنی «حقوق زنان» به گونه‌هایی بازتاب یافته بودند.

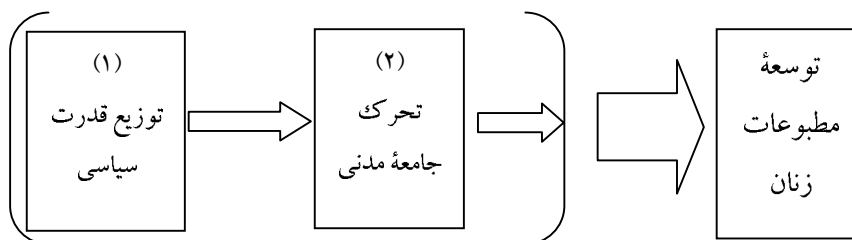
این یافته‌های کیفی و کمی مؤید فرضیه‌ی تحقیق است که «قدرت جامعه‌ی مدنی» بیش از «عدم تمرکز قدرت سیاسی» بر توسعه‌ی مطبوعات زنان در ایران تأثیر دارد.

از خلال مطالعات تاریخی نیز می‌توان تأثیرگذاری بیشتر «حقوق زنان» را به نسبت «زن امروز» در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی مشاهده کرد. در واقع همسویی موضوعی و مطالب منتشر شده در

مطبوعات با جهت‌گیری‌ها و گفتمان‌های غالب در جامعه سیاسی و جامعه مدنی، میزان تأثیرگذاری آن‌ها را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر در حیات و تحرک جامعه مدنی صدای مطبوعات فعال بهتر شنیده می‌شود.

به این نتیجه هم می‌توان رسید که فرضیه‌های چهارگانه‌ای که به طور کلی برای مطالعه نشریات زنان در دوره‌های «تمرکز یا توزیع قدرت سیاسی» یا «ضعف یا قوت جامعه مدنی» مطرح شدند و نیز فرضیه همین تحقیق که برای توصیف و تبیین تفاوت‌های مطبوعات زنان در درون یک دوره از پراکندگی قدرت سیاسی (سال‌های نخستین و پایانی دوره دوازده ساله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) پیشنهاد گردیدند، در دوره‌های بعد از آن نیز قابل طرح هستند.

از آن‌جا که در فرایند توسعه مطبوعات زنان، متغیر «جامعه مدنی» نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به متغیر «قدرت سیاسی» دارد، لذا در صورت فراهم شدن زمینه‌های مساعد مدنی، محتوا و شکل و حد تأثیرگذاری مطبوعات زنان در جامعه بهبود کمی و کیفی بیشتری می‌یابد. این فرضیه و یافته‌ها را برای تحقیقات بیشتر می‌توان در چارچوب یک مدل نظری ارائه داد، در این مدل اگر مؤلفه‌های اصلی برای هر متغیر به درستی تبیین شوند، می‌توان سهم و نقش واقعی نشریات خاص زنان را در دوره‌های حساس تاریخ معاصر ایران پیدا کرد. مردانه بودن روایت‌های تاریخی از رخدادها تأثیرگذار دوره‌های مختلف تاریخی ضرورت انجام این قبیل تحقیقات را بیشتر می‌کند. صورت کلی این مدل که مؤلفه‌های هر متغیر آن باید در سه حوزه قدرت سیاسی، جامعه مدنی و مطبوعات به صورت کمی و عملیاتی درآید چنین است.



مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان

منابع

- آدمیت، فریدون. ناطق، هما (۱۳۵۶) افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: آگاه.
- آل احمد، جلال (۱۳۶۳) «ورشکستگی مطبوعات»، سه مقاله دیگر. چاپ سوم، تهران: رواق.
- انصاری لاری، محمدابراهیم (۱۳۷۳) «چگونگی و حد نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- تاج السلطنه (۱۳۷۱) خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: نشر تاریخ ایران.
- حقوق زنان (۱۳۳۱- الف)، شماره ۱، سال اول، ۲۸ اردیبهشت، تهران.
- حقوق زنان (۱۳۳۱- ب)، سال اول، شماره ۷، ۲۲ تیر.
- حقوق زنان (۱۳۳۱- ج)، سال اول، شماره ۱۱، ۱۹ مرداد.
- حقوق زنان (۱۳۳۱- د)، سال اول، شماره ۳۳، ۲۸ دی.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱) قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات. تهران: طرح نو.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۶) «مدلی برای مطالعه تاریخی نسبت میان ساختار قدرت و مطبوعات در ایران»، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۵۸، شماره ۱۸۲.
- زن امروز (۱۳۲۳- الف)، سال اول، شماره ۱، ۱۵ خرداد.
- زن امروز (۱۳۲۳- ب)، سال اول، شماره ۲، ۲۳ خرداد.
- زن امروز (۱۳۲۳- ج)، سال اول، شماره ۷، ۳۰ مرداد.
- زن امروز (۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۴۱، ۱۷ شهریور.
- ساتن، الول. کهن، گوئل (۱۳۸۰) شهریور ۲۰ و مطبوعات ایران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سعیدی، حوریه (۱۳۸۳) «نگاه زن به سیاست و حکومت در اولین نشریات زنان در ایران»، پیام تاریخ، ویژهنامه سمینار بین المللی زن در تاریخ ایران معاصر. شماره ۱.
- شکوفه به انضمام دانش (۱۳۷۷) نخستین نشریه‌های زنان ایران، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صالحیار، غلامحسین (۱۳۵۱) چهره مطبوعات معاصر. تهران: پرس اجنت.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشاران کمان، جلد ۳، چاپ دوم.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰) سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه. جلد دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کسروی، احمد (۱۳۶۱) تاریخ مشروطه ایران. چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر.

- کیهانی، معصومه (۱۳۷۸) «نحوه انعکاس امور زنان در نشریات ویژه بانوان در نیم قرن گذشته»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محتشمی‌پور، فخرالسادات (۱۳۸۳) «زن و مشروطه ایرانی»، پیام تاریخ، ویژه‌نامه سمینار بین‌المللی در تاریخ ایران معاصر. شماره ۲.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۵) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مطبوعات ایران. جلد ۱، تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶) تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: انتشارات بعثت.
- ناطق، هما (۱۳۵۸) «نگاهی به برخی نوشته‌ها و مبارزات زنان در دوران مشروطیت»، کتاب جمعه، سال اول، شماره ۳۰.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲) تاریخ بیداری ایرانیان. جلد اول، تهران: نوین و آگاه.
- ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰) زنان ایران در جنبش مشروطه. تبریز: احیا.

